روزنامه سیاسی، اقتصادی، فرهنگی، اجتماعی، ورزشی صبح ایران • صاحب امتیاز و مدیرمسئول: مهدی رحمانیان • نشانی: میدان آرژانتین،خیابان الوند، کوچه آرشیا، پلاک ۶ • تلفن: ۹۲و۸۸۶۵۴۳۹۰ • نمابر: ۸۸۸۸۰۷۱۹ • تلفن آگهی‌ها: ۸۸۱۹۲۸۷۷ • تلفن امور مشترکین: ۸۸۲۰۹۵۹۳ • توزیع: شرکت‌پیام‌رسان پیروز تلفن: ۵- ۶۶۲۷۲۱۳۰ • چاپ: گلریز تلفن: ۶۶۷۹۵۴۴۲

آچارکشی

خبرهای ضدافسردگی

● **پوریا عالمی:** چندتا خبر داریم که دکتر به ما تجویز کرد اگر اینها را بخوانی افسردگیت برطرف می‌شود. ما هم برای شما تجویز می‌کنیم:

دپو و شهرداران

مدیرکل محیط‌زیست استان مازندران گفت: روزانه ۲۰۰ تـا ۳۰۰ تن زبالـه در مازندران دپـو و ۸۰ درصد از شـهرداران متخلف بازداشـت می‌شـوند. (مهر) به‌هرحـال همین که روزانـه ۸۰ درصد زباله‌ها دپو و ۲۰۰ تا ۳۰۰ شهردار متخلف بازداشت نمی‌شوند، جای خوشحالی دارد.

تبعیض نداریم

یکی از مسـئولان گفت: راه مزدورگیری دشمن از مجلس اسـت. (انتخاب) خب خوشـبختانه از تنها جایی کـه خیالمان راحت بود، خیالمان تخت شـد. یعنی ما تـا دیروز فکـر می‌کردیم فقط رسـانه‌ها و هنرمندان و روشنفکران و نویسندگان و... به مزدوری گرفته شدند، الان خیالمان راحت شد دشمن تبعیض قائل نمی‌شود.

عقیم‌سازی

مجوز عقیم‌سـازی زنان کارتن‌خواب صادر نشد. (ایلنـا) این خبر هم خیلی مـا را متعجب کرد. چون ما عادت کردیم صورت‌مسئله را پاک کنیم. مثلا توقع داشتیم مسئولان درباره مسـئله کودکان بی‌سرپناه و کودکان معتاد و بهداشـت و... واقعا مجوز بدهند که زنان کارتن‌خواب عقیم‌سازی شوند تا خیال مسئولان راحت شود که دیگر بچه به خیابان اضافه نمی‌شود. همیـن بچه‌هایـی هم که هسـتند پس‌فـردا بزرگ می‌شوند و می‌روند پی کارشـان و کاری به کار کسی ندارند. امـا اینکه ایلنا گفته مجوز عقیم‌سـازی زنان کارتن‌خواب صادر نشـده، واقعا ما بغض کردیم و جا دارد بروییم در افق گم شویم و خلاص.

پیشنهاد

● نمایشـگاه نقاشی سعید رضاخـان با عنوان «سـیاه و سفید» از هشـتم آبان‌ماه در نگارخانه هنر ایـران افتتاح می‌شـود. سـعید رضاخان قرار اسـت در این نمایشگاه آثار سـیاه و سـفید خـود را در معـرض دید علاقه‌مندان قرار دهد. نمایشـگاه تا چهاردهم آبان‌ماه بـه آدرس خیابان انقلاب، خیابان خارک، ضلع غربی تالار وحدت، پلاک ۱۹، برپاست.

روزنامه شرق

www.sharghdaily.ir

پنجشنبه • ۷ آبان ۱۳۹۴ • ۱۵ محرم ۱۴۳۷ • ۲۹ اکتبر ۲۰۱۵ • سال سیزدهم • شماره ۲۴۳۴ • ۲۰ صفحه

اذان ظهر تهران ۱۱:۴۸ • اذان مغرب ۱۷:۳۱ • اذان صبح‌فردا ۴:۵۹ • طلوع آفتاب ۶:۲۴

روزنامه فردا

fardashargh@gmail.com

کارتون خواب

مهدی عزیزی

سلام به فردا

به مناسبت هشتم آبان‌ماه، روز نوجوان

نوجوانان امید می‌خواهند

حسین انصاری‌راد

نوجوانی آغاز فصل اندیشیدن به آینده است. با پایان کودکی و قبل از شـروع دوران جوانی، نوجوان شروع به شـناخت خود می‌کند و این شناخت با یک سؤال جدی، اساسی و بنیادی همراه اسـت؛ در آینده چه سرنوشتی خواهم داشت؟ چه‌کاره خواهم شد؟ آیا زمینه اشتغال، ازدواج و داشـتن یک زندگی باکرامـت برای من فراهم خواهد شد؟ شاید در درجه نخست خانواده‌ها و والدین نوجوانان تلاش کنند زمینـه را به‌گونه‌ای فراهم کنند تا نوجوانان بتوانند با خیال آسوده به پاسخ این پرسش‌ها برسند اما نباید فراموش کرد که اینکه خانواده‌ها بتوانند چنین زمینـه‌ای را فراهـم کنند، خود معلول شـرایط عمومی کشـور و نوع عملکردی است که مدیریت کلان کشور برعهده دارد. باید تاکید کرد امروزه نقش مدیریت کلان کشـورها و حکومت‌ها دیگر مثل گذشـته نیست. در گذشـته حکومت‌ها و دولت‌ها وظیفه اصلی‌شـان تأمین امنیت مرزی و جغرافیایـی بود ولی امروز نقش حکومت‌ها بسیار گسترده‌تر اسـت. امروز تربیت نیروی انسـانی و شـهروندان مسـئولیت‌پذیر و فعال یکی از مهم‌تریـن دغدغه‌هـای هـر حکومت و دولتی اسـت و تربیت نیز از نخسـتین سـال‌های عمر یـک فرد آغاز می‌شـود. به‌همین‌دلیل حکومت‌هـا و دولت‌ها باید در ارتباط با نوجوانان به‌عنوان نیروی انسـانی آینده نقشی امیدبخش ایفا و تلاش کنند شرایط زیست باکرامت آینده را برای آنها ترسیم کنند. دولت‌ها باید این امید، اعتماد و اطمینان را به نوجوانان بدهند که زمینه اشتغال، کسب درآمد کافی و شرایط مناسب و مساعد فرهنگی برای آنها در آینده فراهم است. تمام نوجوانان دغدغه اساسی‌شان آینده است و حکومت‌ها براساس مصالح ملی‌شان باید سیاسـت‌های خاصی برای ایجاد چنین شرایطی در نظر بگیرند. نوجوانی که امید و اعتماد نداشـته باشـد، وارد عرصـه ناهنجاری‌های اجتماعی خواهد شـد. امید به زیست و حیات باکرامت از افتادن نوجوانان و جوانان به عرصه‌های فساد جلوگیری می‌کند و هزینه آسیب‌های اجتماعی آینده را از دوش دولت‌ها برمی‌دارد.

خط مبحث

ملزومات نابغه‌شدن

مرضیه رسولی

مجله‌ای فرانسوی عکس‌هایی از میشل فوکو چاپ کرده بود که در همه‌شـان لباس یقه‌اسـکی تنش بود و کامـلا هم در آنها راحت به‌نظر می‌رسـید، هم لباس رسمی‌اش بود و هم لباس راحتی‌اش. عکس‌ها کارکرد تبلیغاتی داشتند و تولیدکننده با استفاده از میشل فوکو و احتمالا علاقه‌اش به لباس یقه‌اسکی برای لباس‌های خـودش تبلیغ کرده بـود؛ لباس‌هایی که زیـر ۲۰ یورو قیمت داشـتند. این تبلیغ‌ها کار می‌کند؟ یعنی کسـی هسـت که با دیدن میشل فوکو و لباسـش برود همان را بخرد و فکر کند میشـل فوکو شـده؟ یا به او نزدیک شده؟ یا اندیشه میشـل فوکو به تن و بدنش چسبیده و از آنجا راهی مغزش شـده؟ تبلیغ کار می‌کند. اعتراض به اسـتفاده ابزاری از عکس میشل فوکو هم به‌نفعش تمام می‌شود و باعث بیشتر دیده‌شدن تبلیغش می‌شود و راهـش را بـه جاهایی بـاز می‌کند که تـا حالا راهی بهشان نداشته. صاحب برند هم به صورت سربسته به ما می‌فهماند که بله، میشل فوکو را می‌شناسد و گرچه کارش تولید لباس اسـت ولی با دانش و فلسفه بیگانه نیست و توانسـته بین تجارت خود و علایق فلسفی‌اش پیوند برقرار کند و اصلا همین میشل فوکو بود که باعث شـد به تولید و فروش لباس یقه‌اسکی علاقه‌مند شود و بتواند باری از روی دوش فلسـفه بردارد. کسـانی که میشـل فوکو را می‌شناسند حالا به‌واسطه این عکس‌ها دقت بیشـتری در طرز لباس‌پوشیدن او می‌کنند و لباس یقه‌اسکی برایشان قابل‌احترام‌تر از پیش می‌شود. شاید هـم بین این لباس و نبوغ فوکـو رابطه‌ای برقرار کردند؛ رابطه‌ای که دانشمندان بعدها صورت رسمی‌تری به آن بدهند و دور نیست آن روزی که خبر بیاید پوشیدن لباس یقه‌اسکی برای سلول‌های خاکستری مغز مفید است و آن را تقویت می‌کند.

رسـانه‌ها مـدام دربـاره عادت‌های نویسـنده‌ها و هنرمندان مطلب و جدول و اینفوگرافی منتشر می‌کنند چون این مطالب طرفداران زیادی دارند و طرفداران مدام در حال همذات‌پنداری خـود با نوابغند. در این مطالب وقت بیداری، کار و غذاخوردن و خواب نوابغ به تفکیک اعلام شـده، مثلا لئونـاردو داوینچی هر چهارسـاعت یک‌بار یک چـرت ۲۰دقیقه‌ای می‌زد، ویکتور هوگو فقط چهارسـاعت و بنجامیـن فرانکلین فقط دوسـاعت در شـبانه‌روز می‌خوابیدند، چارلز دیکنز عادت داشـت رو به شـمال بخوابد و ناباکوف همه‌چیـزش به کارمندها می‌مانست، از ۱۲ شـب تا هشت صبح می‌خوابید، بلند می‌شد صبحانه‌اش را می‌خورد و کارش را شروع می‌کرد و ساعت ۱۲، سراغ ناهار می‌رفت و بعدازظهر نوشتن را از سـر می‌گرفت و دیگر عصر به‌بعد کار نمی‌کرد. ما این عادت‌ها را می‌خوانیم و با هم مقایسه می‌کنیم و وقتی می‌بینیـم مثل داوینچی هر چهارسـاعت یک‌بار خواب به سراغمان می‌آید و درسـت همان ساعتی که او غذا می‌خورد گرسـنه‌مان می‌شود، افسـوس می‌خوریم که تمـام عادت‌های یک نابغه را داریـم اما مثل او محیط مسـتعدی نداشـته‌ایم که نبوغمان خودی نشان دهد و از مرزها بگذرد و جهانی شـود. رسـانه‌ها نبوغ را در قالب عادت‌های روزانه فرمول‌بندی می‌کنند، به صورت جـدول درمی‌آورند و جلو ما می‌گذارند تا مصرف کنیم. دیگـر نه آثار به‌جامانده از نوابـغ، که خود نابغه‌ها هم برایمـان تبدیل به کالایی قابل‌مصرف شـده‌اند، ممکن اسـت یک صفحـه از همینگـوی نخوانده باشـیم اما بدانیم که کـی از خواب بیدار می‌شـده، برای صبحانه چه می‌خورده، آیا ظرف‌ها را خودش می‌شسـته و برای شسـتن ظرف‌ها دستکش به دست می‌کرده یا نه. تمام ابزارهای نابغه‌شـدن به صورت ریز و جزئی در دسـت ماست. می‌توانیم ازشـان تقلید کنیم و وقتی توی آینه نگاه می‌کنیم به‌جای خود، میشـل فوکـو را ببینیم که می‌گوید خوب شد آن لباس یقه‌گرد را از تنت درآوردی، با آن لباس هیچ‌وقت نمی‌توانستی تبدیل به من شوی.